

بررسی مدارا در سیره پنج تن آل عبا (علیهم السلام)

www.ketab.ir

مؤلف:

عباسعلی علی محمدی

سرشناسه	:	علی محمدی، عباسعلی، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	بررسی مدارا در سیره ی پنج تن آل عبا (علیهم السلام) / عباسعلی علی محمدی
مشخصات نشر	:	گركان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۱ ص.
شابك	:	۳۳۱-۴-۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸: ۱۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۸۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	:	تساهل -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	:	تساهل -- جنبه های قرآنی
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ب۴ ۸۲/۱/ع BP۲۵۴
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۶۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۹۰۷۶۹۵

بررسی مدارا در سیره ی پنج تن آل عبا (علیهم السلام)

مؤلف: عباسعلی علی محمدی

ویراستار: حمیدرضا صادقی

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۲۰۰۰

شماره شابک: ۳۳۱-۴-۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸

نشانه:

ناشر: نوروزی

چاپ: امید شمال- ۰۱۷۳۲۲۳۰۰۸۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

انسان شریف‌ترین موجود عالم خلقت است و خداوند با توجه به ساختار وجودی‌اش او را اجتماعی آفریده و شکوفایی گوهر انسانی‌اش را نیز در ارتباط با هموعانش قرار داده است تا در پرتو تعالیم الهی و با تفکر و اندیشه‌ی خویش و با اراده و اختیار، راه سعادت و خوشبختی را بی‌ماید و به حیات طیبه و رستگاری عظیم نائل گردد. توصیه‌ی اسلام به انجام عبادات جمعی همانند: حج، نماز جمعه و جماعات و برگزاری مراسم عید قربان و نماز عید فطر و جهاد با دشمن و مانند آن هر یک بیانگر توجه دین به جمع و جماعت و اهمیت و جایگاه ارزنده‌ی آن است، چنان‌که آن‌را در تعبیری زیبا بیانگر قدرت و عظمت الهی دانسته و درباره‌ی آن گفته شده است: **يَذَّكُّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ**. «دست (قدرت) خدا با جماعت است» شاید به جرأت بتوان ادعا کرد؛ توجه اسلام به فرد نیز از آن جهت اهمیت دارد که زمینه‌ی ورود وی را به اجتماع فراهم سازد. لذا در باب تأثیر‌گذاری و ارزش‌گذاری به فرد و اهمیت آن فرمود: «... مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۱ «هرکس یک فرد را زنده کند (هدایت کند) مانند آن است که همه مردم را زنده کرده است» و همچنین در مورد حرمت آسیب‌رسانی به فرد فرمود: «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۲ «هر کس یک فرد را بکشد (حق حیات را از او بگیرد) مانند این است که همه‌ی مردم را از حیات ساقط کرده است». با این توضیح به نظر می‌رسد مدارا با مردم و اظهار محبت و برخورد نرم و ملایم با آنان و عفو و گذشت نسبت به آنان در برابر خطاهای شخصی، در واقع ایجاد زمینه‌ی لازم برای رشد و تعالی حیات فردی و اجتماعی آنان و تلاش برای ساختن جامعه‌ای متعادل است که در متون و تعالیم دینی آمده است. این همان چیزی است که امروزه جامعه‌ی بشری به طور عام و برخی جوامع اسلامی به‌طور خاص از فقدان آن رنج می‌برد و هر چه زمان به جلو می‌رود، شاهد فراموشی اصول

^۱ صحیح بن حیان، ج ۱۰: ۴۳۸

^۲ مانند/ ۳۲

^۳ مانند/ ۳۲

انسانی و الهی افراد از فطرت خدادادی شان هستیم، به طوری که گاه مشکلات و مسائل بسیار ساده و معمول در روابط اجتماعی و خانوادگی، به دلیل فقدان مدارا و ضعیف بودن آستانه‌ی تحمل یکدیگر و همچنین به دلیل عدم آشنایی با فرامین حیاتبخش اسلامی، موجب اختلافات شدید در زندگی و تیره‌گی روابط اجتماعی و بروز حوادث هولناک و خانمان برانداز و قتل و جنایت می‌گردد.

خداوند که خالق کل هستی است، خود را رحمان و رحیم نامیده است و سرآغاز هر کاری را بر مدار رحمت استوار ساخته و وصول به رحمت الهی را نیز بر اساس مروت و مهربانی قرار داده است. نیز پیامبران را بر همین اساس به سوی انسان‌ها فرستاده تا آنان را با فطرت حقیقی‌شان آشنا سازند. خداوند در قرآن خطاب به آخرین پیامبرش می‌فرماید: «فَمَا رَحْمَةً مِنْ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فَظًا غَلِيظًا لَلْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ، فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»^۱. «به برکت رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند، پس آنها را ببخش و برایشان طلب آموزش نما و با آنان (مردم) مشورت کن و هر گاه تصمیم بر انجام کاری گرفتی بر خدا توکل کن»

خداوند عزوجل در جای جای قرآن مکرر به پیامبرش این مطلب را یادآور می‌شود که سرفصل اصلی دعوتش را با مردم بر اساس «مدارا» قرار دهد و با مردم نیکی کرده و از خطایشان بگذرد. چنانکه فرمود: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»^۲ با آنان مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی دعوت کن و از جاهلان روی بگردان.

رسول گرامی اسلام (ﷺ) که خود اسوه‌ی جمیع کمالات انسانی و مظهر واقعی رحمت الهی است، انگیزه‌ی اصلی دعوتش را مدارا با مردم بیان فرموده و این عمل را هم‌تراز انجام فرائض و واجبات الهی دانسته است، و می‌فرماید: أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ

^۱ آل عمران/ ۱۵۹

^۲ اعراف/ ۱۹۹

كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ^۱. «خداوند مرا به مدارای با مردم دستور داد همان گونه که به انجام واجبات فرمان داده است.»

آن حضرت در فرازی دیگر از سخنانش تمام خیر و نیکی را در پرتو این صفت و خصیصه‌ی والای انسانی دانسته و فرموده است: «مَنْ حَرَّمَ الرِّفْقَ فَقَدْ حَرَّمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ»^۲. «هر کس از مدارا بی بهره باشد از همه‌ی خوبی‌ها بی بهره مانده است.»

فاطمه زهرا (سلام... علیها) که خود سمبل تمام نیکی‌ها و فضایل پسندیده‌ی الهی است، اوج مدارا را در دعا به پیشگاه خداوند نسبت به دیگران به نمایش می‌گذارد. ایشان قبل از دعا برای خویش، در حق دیگران دعا می‌کند و به فرزندش امام حسن علیه السلام علّت این کار را چنین بیان فرمود که فرزندانم: «الجار ثم الدار»^۳ فرزندانم اوّل همسایه سپس خانه.

گویا حضرت رمز تضمین زندگی سالم هر شهروند را در دلسوزی حقیقی نسبت به همسایه می‌داند. و این همان جامعه‌ی آرمانی آخرالزمان است که همگی مشتاقانه منتظر رسیدن آن هستیم.

امام علی (علیه السلام) در بیانی حکیمانه و پرمعنا مدارای با مردم را به منزله‌ی رأس حکمت تشبیه نموده و فرموده است: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَدَارَةُ النَّاسِ»^۴. سرآمد حکمت مدارای با مردم است. نکته‌ای که همگان باید بدان توجه داشته باشیم، اینست که هر یک از ما در برخورد با دیگران دوست داریم با لطف و مهربانی و عطف و مدارا با ما رفتار نمایند. امام حسن (علیه السلام) فرمود: «با مردم به گونه‌ای رفتار کن که دوست داری با تو آنگونه رفتار کنند»^۵ و هر گاه همه‌ی درها به روی انسان بسته شود و نتواند در برخورد با دیگران تدبیر به خرج دهد، باز هم رو در روی مردم قرار گرفتن از اموری ناپسند

^۱ اصول کافی، ج ۳: ۱۷۹

^۲ نهج الفصاحه: ۷۷۵

^۳ مناقب آل ابی طالب، ج ۳: ۴۰

^۴ غرر الحکم و دررالکلم، ج ۴: ۵۲

^۵ میزان الحکمه، ج ۷: ۳۹۸

است که از اینکار منع شده است. امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس فکرش به جایی نرسد و راه تدبیر بر او بسته شود، کلیدش «مدارا» است»^۱. این همان چیزی است که خلاء آن در جامعه امروزی ما، به شدت احساس می‌شود و باید بازنگری دقیق‌تر و عمیق‌تری به دستورات بنیادین اسلام در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و فرهنگی و تربیتی داشته باشیم و از اسلام فقط به پوسته‌های آن اکتفا نکنیم. آنچه امروز در روابط خانوادگی و بر بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی آحاد جامعه‌ی ما حکمفرماست که متأسفانه هر روز نیز گسترده‌تر می‌شود متأثر از نفوذ فرهنگ منحط بیگانه و حاصل تلاش سارقین فرهنگ اسلام ناب و مروجین فرهنگ‌های غیرانسانی است. به راستی منازعات و کشمکش‌های بغض‌آلود و کینه‌توزانه در روابط اجتماعی هر یک از افراد جامعه، ره آورد کدام تمدن است؟! و ضرب‌المثل‌هایی مانند «کلوخ انداز را پاداش سنگ است»، که امروز در جامعه‌ی ما رواج دارد، متأثر از دین و اعتقادات دینی است یا حاصل نفوذ ادبیات و فرهنگ ضد دینی است که خشونت را به نام دین تجویز می‌نماید؟!

در اینجا لازم است به برخی از فواید مدارا اشاره شود:

۱. یکی از فواید مدارا با دیگران حتی در مشاجرات معمولی، پیشگیری از عواقب سوء برخورد است که چه بسا در صورت عدم مدارا به مخاصمات جمعی و طایفه‌ای منجر گردد.
۲. رشد اخلاقی و رفتاری افراد جامعه در پرتو متخلق شدن به این صفت پسندیده است که بیانگر شخصیت آرام و انسانی افراد است.
۳. مدارا و رفتار نرم و ملایم با مردم به تعادل رفتاری و پایداری رفتار در افراد منجر خواهد شد.
۴. رفتار محبت‌آمیز با مردم به ایجاد رفتاری متناسب با آن تبدیل خواهد شد و طرف مقابل نیز تحت تأثیر آن برای ابراز محبت متقابل وادار خواهد شد.

۵. مدارا در زندگی خانوادگی موجب ایجاد محبت، علاقه و سرزندگی و در نتیجه موجب ایجاد فضایی متعادل برای رشد فرزندان و عاملی جهت تربیت نسلی با شخصیت خواهد شد.

۶. یکی دیگر از ثمرات ارزنده‌ی مدارا در اجتماع، ایجاد امنیت اخلاقی و روانی در جامعه است؛ زیرا در جامعه‌ی پرخاشگر و غیر مدارایی، همگان احساس رعب و وحشت خواهند نمود.

۷. مدارا در زندگی مشترک زوجین جوان، در آغاز زناشویی، حلاوت و شیرینی زندگی مشترک را مضاعف کرده و موجب قوام و دوام آن می‌شود.

۸. مدارا در روابط خویشاوندی نیز موجب خواهد شد تا ارتباط اجتماعی آسان‌تر شده و صله‌ی ارحام راحت‌تر صورت گیرد.

۹. این موضوع در روابط اداری بین مدیر و کارکنان دستگاه‌های اداری نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به‌طوری‌که مدیران هر دستگاهی، اعم از دولتی و غیر دولتی به منظور پیشبرد اهداف سازمانی شان با تکیه بر این صفت پسندیده می‌توانند امورات خویش را به راحتی مدیریت کنند و به پیش ببرند.

۱۰. مدارا در روابط با مخالفان هم بسیار تأثیرگذار و ارزنده است و در واقع برخاسته از یک نوع اقتدار اعتقادی و فرهنگی است زیرا که علیرغم مخالفت با دشمن به جایگاه و نقش او به عنوان یک انسان مورد توجه قرار می‌گیرد.

این موضوع به هنگام رویارویی انسان با مشکلات اقتصادی نیز کاربرد به سزایی دارد و آزمایشی بزرگ در برابر سختی‌های توانفرسای زندگی محسوب می‌گردد. مدارا سبب می‌شود که تهدیدات اقتصادی، منجر به تهدیدات حیاتی در افراد نگردیده و زندگی را مختل نسازد. لذا در این کتاب که تحت عنوان مدارا در سیره‌ی پنج تن آل عبا (علیهم‌السلام) تقدیم خوانندگان محترم و ارجمند می‌گردد، سعی شده است با بهره‌گیری از آیات کریمه‌ی قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) و سیره‌ی عملی آن بزرگواران، جایگاه ارزشمند این شیوه‌ی اخلاقی تبیین گردد و کاربرست عملی آن در

زندگی فردی و اجتماعی به علاقمندان توصیه شود. ضمناً از پیشنهادها و نقد عالمانه خوانندگان محترم استقبال کرده و از اظهار لطف یکایک آنان تشکر می نمایم. لذا خواهشمندیم نظریات اصلاحی خود را به آدرس سایت انتشارات ارسال نمایید.

إِلَهِي كَفَى بِي عِزَّاءَ أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا

معبودا بس است مرا این عزّت که بنده‌ی توأم و بس است مرا افتخار که تو

پروردگار منی

عباسعلی علی محمدی

گرگان - تابستان ۱۳۹۴

www.ketab.ir

۱.....	مقدمه
۶.....	تساهل و تسامح
۷.....	تسامح و تساهل از نظر غربیان
۸.....	تفاوت مدارا با مداهنه
۱۱.....	فصل اول: جایگاه مدارا در اسلام
۱۲.....	الف- بررسی جایگاه مدارا از منظر آیات قرآن مجید
۱۴.....	مدارا با اهل کتاب و رعایت حال آنان
۲۵.....	عفو پرتوی از تقوا
۲۷.....	عفو زمینه‌ی آموزش و محبت الهی
۳۱.....	مبانی قرآنی مدارا در رفتار با غیر مسلمانان
۳۶.....	گفتگو و مناظره‌ی احسن در قرآن
۳۸.....	رعایت عدالت و احسان حتی نسبت به مخالفان
۳۹.....	رعایت عهد و پیمان با غیر مسلمانان
۴۰.....	مدارا کردن با کفار به معنی دوستی گرفتن آنان نیست
۴۱.....	اعتماد نکردن و تبعیت نکردن از کفار
۴۱.....	برخی از خطوط قرمز مدارا در قرآن
۴۴.....	الف) اصول و ارزش‌های دینی مدارا بردار نیست
۴۴.....	ب) مقابله با دشمنان
۴۶.....	ج) توجه به اجرای حدود الهی
۴۸.....	د) مواردی دیگر از عدم مدارا
۵۱.....	فصل دوم: بررسی جایگاه رفق و مدارا از منظر روایات آل عبا (علیهم السلام)
۵۲.....	رفق و مدارا با مردم از دیدگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۵۷.....	رفق و مدارا با مردم از دیدگاه امام علی (علیه السلام)
۵۸.....	رفق و مدارا با مردم از دیدگاه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
۶۲.....	رفق و مدارا با مردم از دیدگاه امام حسن (علیه السلام)
۶۴.....	ارزش مدارا با مردم از دیدگاه امام حسین (علیه السلام)
۶۵.....	رفق و مدارا در شیوه‌های مختلف تربیت دینی
۶۵.....	نقش مدارا در تربیت دینی فرزندان

۶۸	نقش مدارا در روابط خانوادگی
۷۰	نقش مدارا در روابط با خویشاوندان
۷۳	نقش مدارا در زندگی فردی و اجتماعی
۷۴	الف. خوش اخلاقی
۷۵	ب. عفو و گذشت
۷۷	ج. بخشش و محبت
۷۷	د. تواضع و فروتنی
۷۸	و. حوصله و صبر
۷۹	ه. رسیدگی به مشکلات مردم
۸۱	مدارا و آسان گیری در عبادات
۸۳	مدارا با دوست و دشمن
۸۶	تغافل جلوه ای از مدارای با مردم
۸۹	موارد جواز تغافل و عفو
۹۲	مدارای انسان با موجودات عالم
۹۵	آثار و نتایج رفق و مدارا
۹۵	الف. دوری از نزاع و کشمکش
۹۶	ب. همبستگی و محبت با مردم
۹۷	ج. سعادت‌مندی دنیا و آخرت
۹۸	د. میانه روی در دین
۹۹	م. تقویت شرح صدر
۱۰۰	نهادینه شدن فضایل اخلاقی
۱۰۱	فصل سوم: سیر تاریخی مدارا در سیره ی پنج تن آل عبا
۱۰۲	سیر تاریخی مدارا در سیره ی پنج تن آل عبا
۱۰۳	رفق و مدارا در سیره عملی پیامبر اکرم (ﷺ)
۱۰۴	مدارا با اهل کتاب
۱۰۶	پیامبر اسلام (ﷺ) در هیچ یک از جنگها آغازگر جنگ نبود
۱۰۷	مدارای پیامبر (ﷺ) با اسیران جنگی
۱۰۹	نمونه هایی از مدارای توأم با محبت پیامبر اکرم (ﷺ) با اصحاب
۱۱۰	فتح مکه و مدارای پیامبر اکرم (ﷺ) با مشرکان
۱۱۲	معیار مدارا و عدم مدارا در سیره پیامبر اکرم (ﷺ)
۱۱۵	برخورد پیامبر اسلام (ﷺ) با مرتدان

چند نمونه از رفتار قاطع و پرصلابت رسول خدا (ﷺ) در برخورد با متخلفان و عاصیان.....	۱۱۵
رفق و مدارا در سیره ی امیر المؤمنین علی (علیه السلام).....	۱۱۸
نمونه‌هایی از مدارای علی (علیه السلام) با مردم.....	۱۱۹
مدارای علی (علیه السلام) با زیردستان.....	۱۲۱
مدارای حضرت علی (علیه السلام) با اهل بصره.....	۱۲۱
عفو عمومی بعد از فتح بصره.....	۱۲۲
مدارای امام علی (علیه السلام) با خوارج نهروان.....	۱۲۴
جلوه‌ی علای مدارای امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت به قاتلش.....	۱۲۵
احتجاج علی (علیه السلام) به هنگام قرارداد صلح با معاویه.....	۱۲۶
مدارای علی (علیه السلام) در ماجرای شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها).....	۱۲۷
مرز مدارا و سهل انگاری در سیره ی امام علی (علیه السلام).....	۱۲۸
رفق و مدارا در سیره‌ی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها).....	۱۳۲
ایثار و از خود گذشتگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) جلوه ای از مدارا با مردم.....	۱۳۳
دعا برای شیعیان، جلوه ای از مدارا و نوع دوستی حضرت زهرا (سلام الله علیها).....	۱۳۳
مرز مدارا و عدم مدارا در سیره ی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها).....	۱۳۴
رفق و مدارا در سیره ی امام حسن (علیه السلام).....	۱۳۵
مدارای امام حسن (علیه السلام) با زیر دستان.....	۱۳۷
مدارای امام حسن (علیه السلام) با غیر مسلمان.....	۱۳۷
مرز مدارا و عدم مدارا در سیره ی امام حسن (علیه السلام).....	۱۳۹
رفق و مدارا در سیره ی امام حسین (علیه السلام).....	۱۴۲
نمونه‌هایی از عفو و بخشش و مدارای امام حسین (علیه السلام).....	۱۴۲
مرز مدارا و مدهانه در سیره ی امام حسین (علیه السلام).....	۱۴۹
فصل چهارم: مدارای اسلامی از منظر دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی.....	۱۵۳
مدارای اسلامی از منظر اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان.....	۱۵۴
الف) مدارا از منظر دانشمندان غیرمسلمان:.....	۱۵۴
دیدگاه و تعریف برتراند راسل از مدارا.....	۱۶۰
ب) مدارا از منظر دانشمندان اسلامی.....	۱۶۳
در اصول ارزش‌ها ی دینی مدارا جایز نیست.....	۱۶۵
سخن آخر.....	۱۶۹
منابع و مأخذ.....	۱۸۳

اسلام آخرین دین آسمانی و پیامبرش خاتم النبیین است که مبشر رحمت و مودت برای عالمیان است، و این همان چیزی است که خداوند در قرآن خطاب به رسولش فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱ «و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم». بنای شکوهمند تمدن اسلامی به اعتراف دوست و دشمن در سایه مهر و محبت و مدارای برخواسته از متن اسلام برافراشته شده است، به طوری که در سایه این رفق و مدارای توأم با عطوفت و عفو، چشم جهانیان را در برابر عظمت و اعتلای خود خیره ساخت و هر روز بر جاذبه و اقبال انسان‌ها به اسلام و پذیرش تعالیم حیاتبخش اسلامی آن افزوده شد و اسلام تمام گستره‌ی جهان را درنور دیده و حقیقت‌طلبان سراسر جهان را جذب خواهد کرد. پیشوایان معصوم ما، که خود مظهر تمام نمای رأفت و رحمت الهی هستند با شرح صدری بی‌نظیر، حتی نسبت به مخالفان سرسخت خود، در راه تبلیغ دین، همگان را به شگفتی واداشته‌اند، زیرا اسلام، دینی تعصب‌گریز و خشونت ستیز و بالنده و مدارا محور است و با شیوه‌ای خاص و مطابق با فطرت انسانی همگان را به سوی تعالیم حیات‌بخش الهی فرا می‌خواند. دین اسلام، تمام انسان‌ها را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند و جنگ در برابر بیگانگان را اولین هدف نمی‌داند، اما هرگاه جنگ تحمیل شود، مقابله به مثل و دفاع از کیان اسلام و مسلمین را واجب شمرده و با قاطعیت هر چه تمامتر همگان را به مقابله با متجاوزان دعوت می‌کند.

موضوع مورد بحث ما، «مدارا در سیره‌ی پنج تن آل عبا (علیهم‌السلام)» است که از مهمترین عناصر استوارسازی ارتباطات میان فردی، آرامش فردی و فضیلت‌های اخلاقی در اندیشه اسلامی است و ثمره‌ی شیرین آن صلح، صمیمیت و وحدت جوامع انسانی و شاه کلید موفقیت اجتماعات بشری است.

برخی گفته اند: «مدارا» از ماده‌ی «دری» یا (دَرَأَ) است، که اگر از ماده‌ی «دری» باشد با معنای اصلی آن در «دَرِيتُ الظُّبَى» تناسب دارد. گویی آدمی با تحمّل طرف مخالف و برخورد ملایم با او، وی را در کمند محبت خویش گرفتار می‌سازد و اگر از ماده «دَرَأَ» مشتق شده باشد به این مناسبت است که آدمی با برخورد ملایم خویش، بدی را دفع می‌کند.^۱ بر این اساس واژه‌ی «مدارا» به معنای ملاطفت و برخورد نرم است.^۲ براساس تعالیم اخلاقی اسلام، این موضوع جایگاه والا و ارزنده‌ای دارد. چنان‌که رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ».^۳ «پروردگارم مرا به نرمی و ملاطفت با مردم امر کرد همانگونه که به انجام واجبات فرمان داده است» لذا رسول گرامی اسلام (ﷺ) در راه تبلیغ اسلام، آنچنان با مردم دلسوز و مهربان بود که خداوند در قرآن مجید خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا».^۴ «مبادا اگر ایمان نیاوردند تو جان خود را از اندوه، در پی گیری مصالح مردم تباه کنی». در سیره‌ی عملی رسول مکرم اسلام (ﷺ) نیز این رفتار مدارا مآبانه با مردم، حتی با مشرکان و کفار مکه که از هیچ ظلم و ستمی در حق آن حضرت و یارانش مضایقه نکردند، کاملاً مشهود است. رسول گرامی اسلام (ﷺ) پس از فتح مکه، اعلام عفو عمومی صادر کرد. پس از این فرمان، برخی اصحاب که منتظر انتقام گیری بودند، سخت ناراحت شدند، اما حضرت فرمود: امروز روز رحمت است و روز انتقام گیری نیست.^۵

آن حضرت، حتی نسبت به یهودیان نیز چنین برخوردی داشت تا آنجا که وقتی آنان به توطئه علیه پیامبر اقدام کردند، پیامبر بزرگوار اسلام نه تنها مقابله به مثل نکردند و آنها را از دم تیغ نگذرانند، بلکه فقط آنها را از مدینه بیرون راندند. هرچند عفو

^۱ لسان العرب، ج ۱۴: ۲۵۵

^۲ همان: ۲۵۵

^۳ اصول کافی، ج ۲: ۱۱۷

^۴ کهف/ ۶

^۵ تفسیر نمونه، ج ۱۰: ۶۶

عمومی در مکه، یک اقدام سیاسی بود، لکن رسول خدا (ﷺ) از کسانی که به شخص آن حضرت ظلم و جسارت کردند نیز به سادگی گذشتند.

اهمیت مدارا در سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) وقتی بیشتر معلوم می‌شود که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «هر گروهی که مدارای آنها نسبت به مردم کم است آنها را از میان قریش برانید». همچنین امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در وصیت‌نامه‌ی خویش خطاب به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ». «نیکی کن همانگونه که دوست داری نسبت به تو نیکی کنند».

یکی از اهداف و دلایل توصیه اسلام به محبت و مهربانی و مدارا، تربیت انسان‌هاست، زیرا اسلام بنا بر اصل دل سوزی و محبتی که نسبت به بشر دارد، خواستار تربیت آنان و رساندن آنها به کمال لایق‌شان است، چرا که اساس دستورات تربیتی اسلام بر فطرت استوار است و فطرت انسانی با رحمت و رأفت سازگارتر است تا با خشونت و غفلت و قطعاً ملایمت، مؤثرتر است چنانکه امام رحمه‌الله علیه در صحیفه‌ی نور می‌فرماید: «در مسائل، با ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تأثیر می‌کند. من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه‌ی فیضیه صحبت می‌کردم، آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می‌کردم همه خشکشان می‌زد و لسی وقتی از رحمت حرف می‌زد، می‌دیدم که دل‌ها نرم می‌شود و اشکها سرازیر می‌گردد و این تأثیر رحمت است. با ملایمت انسان بهتر می‌تواند مسائل را حل کند تا شدت».^۱

هرچند مدارا و واژه‌های مترادفشان مانند عفو، رفق، تساهل، تسامح و مشابه آن از نکات ظریف و لطیف اخلاقی است که در اسلام به آن بسیار سفارش شده است، لکن باید این نکته را هم به ذهن بسپاریم که مدارا با مدهانه که به معنای سازشکاری منافقانه است تفاوت دارد زیرا مدهانه در اسلام مذموم است و با آنچه در غرب تحت

عنوان «تولرانس»^۱ به معنای تحمل کردن بدون هرگونه تائید یا تشویق به کار می‌رود و معادل «مدارا» معنا کرده‌اند، نیز تفاوت بسیار دارد.^۲

نکته‌ی مهم و اساسی این است که سفارش اسلام و معصومین (علیهم السلام) به مدارا به معنای دست برداشتن از اصول و مبانی اعتقادی اسلام نیست. چرا که با همه‌ی توصیه‌ها و سفارشات مکرری که خداوند در قرآن مجید به پیامبرش در مورد برخورد و شیوه مدارا مآبانه با مردم دارد، اما آنجا که جای پافشاری بر ارزش‌ها و اصول اعتقادی است، بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای، با اقتدار کامل سخن به میان آورده است و می‌فرماید: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.^۳ «محمد فرستاده خداست و کسانی که با اویند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.»

ملاطفت و مدارا، ابزاری مهم برای ارائه‌ی حق است، نه زیر پا نهادن بخشی از حقیقت. چرا که برای رضایت خلق و یا رسیدن به منافع شخصی و به بهانه‌ی مدارا اگر بخشی از حقیقت زیر پا نهاده شود، دیگر ارزش نیست. بلکه جلوه‌ای از نفاق و تظاهر و مدهنه و چاپلوسی است. چنان‌که در شأن نزول سوره‌ی مبارکه‌ی کافرون آمده است؛ که جمعی از سران مشرک نزد پیامبر آمده و گفتند یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و سال دیگر ما خدای تو را عبادت می‌کنیم. یا دست کم بعضی از خدایان ما را لمس کن و از آنها تبرک بجوی تا ما هم تو را تصدیق کنیم. اینجا بود که سوره کافرون نازل شد و هرگونه سازشکاری در اصول دین را منتفی دانست.^۴

قرآن کریم همواره هشدار می‌دهد که حوزه‌ی اصول و ارزش‌ها هیچگونه مدارا و تسامح و سازشی را برنمی‌تابد و هرگونه پیشنهاد سازش و معامله بر سر اصول را مردود دانسته و می‌فرماید: «فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَذُؤَا تَذْهِبُ فَيَذْهَبُونَ».^۵

^۱ Toleration

^۲ تساهل و تسامح اخلاقی دینی و سیاسی: ۱۱

^۳ فتح/۲۹

^۴ خطوات علی طریق الاسلام، چاپ دوم: ۶۰

^۵ قلم/ ۸ و ۹

«از تکذیب کنندگان اطاعت مکن، آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها نیز نرمش نشان دهند». به طور کلی یکی از تفاوت های عمده بین عفو و مدارای اسلامی با تساهل و تسامح غربی در همین نکته کلیدی نهفته است، چرا که منادیان «تولرانس» بر این عقیده اند که اصول و ارزش های انسانی و دینی را باید به مسلخ تساهل و تسامح برد و این امر هیچ تفاوتی با بقیه موارد ندارد. لذا آنها می گویند اساساً چیزی به عنوان «حقیقت و ارزش» وجود ندارد تا پافشاری بر آن به قیمت از دست دادن «تسامح» در نتیجه رویکرد به خشونت باشد.^۱ به علاوه صفحات تاریخ نمونه های فراوانی از قاطعیت زمامداران اسلامی در اجرای عدالت را ثبت کرده است. از آن جمله است برخورد امام علی (علیه السلام) با عبدالله بن زمعه، یکی از اصحابش، هنگامی که از آن حضرت مالی را از بیت المال درخواست نمود، حضرت علی (علیه السلام) به او فرمود: این مال نه از آن من است و نه از آن تو، بلکه غنیمت مسلمانان و اندوختهی شمشیرهایشان است. پس اگر در کارها با آنان شریک بوده ای تو را همانند آنان نصیب و بهره ای می باشد و اگر نه تو را بهره ای نیست، زیرا چیده ای دست های آنان برای دهان های دیگران نمی باشد.^۲

نکته ی دیگر اینکه عفو و نرمش اگر ناشی از ضعف در برابر ستمگر قدرتمند باشد عین عجز و ذلت و نوعی تسلیم و رضایت به ظلم است و ظالم زورگو را جسورتر می کند، از اینرو اسلام چنین عفو و مدارایی را روا نمی دارد.

امام سجاد (ع) در این باره می فرماید: اگر می دانی بخشش زیان دارد برای مقابله (یاری بطلب، چرا که خداوند متعال می فرماید: و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد ایرادی بر او نیست).^۳

بنابراین عفو در جایی است که انسان قدرت انتقام دارد و بخشش او از موضع ضعف نیست، زیرا این ضعف سازنده است، هم برای مظلوم پیروزی است که به او

^۱ نشریه اندیشه حوزه ی سماجت و سهولت یا تسامح و تساهل اسلامی، صص ۱۷۲ و ۱۷۴

^۲ نهج البلاغه، فیض الاسلام: ۷۲۸ شرح الخطبه ۲۲۳

^۳ شوری/ ۴۱

اعتماد به نفس و صفای دل می بخشد و هم برای ظالم مغلوب، که او را به اصلاح نفس خویش وامی دارد.

خلاصه اینکه محدوده‌ی مدارا و عفو بسیار گسترده است. لکن به اجمال باید گفت اولاً در مسائل شخصی خصوصاً در معاشرت و تعاملات اجتماعی که حقوق دیگران تضییع نمی‌شود، اصل بر مدارا و تسامح و نرمش و گذشت است. در اینگونه امور با خشونت رفتار کردن جز به هنگام ضرورت جایز نیست، چنانکه شیوه تربیتی و سیره پنج تن آل عبا و همه معصومین (علیهم السلام) در برخورد با مردم و حتی بیگانگان نیز بر این اصل استوار بوده است. ثانیاً در مواردی که امام معصوم یا رهبر جامعه‌ی اسلامی مدارا را به نفع جامعه‌ی اسلامی و پیشبرد اهداف آن لازم بداند جایز است.

تساهل و تسامح

گاه واژه‌ی «مدارا» به معنی «تساهل» یعنی آسان‌گیری و آنچه در آن شدت و سختی نیست، نیز به کار می‌رود و گاه این واژه به معنی آسان گرفتن و به نرمی رفتار کردن آمده است.^۱ توضیح اینکه: این دو واژه در غرب، برابر واژه‌ی «تولرانس» «toleration» بکار می‌روند. واژه‌ی toleration از ریشه‌ی لاتینی «tolere» به معنای تحمل کردن و اجازه دادن بدون هر گونه تائید و تشویق است و این بدان معناست که آن اندیشه یا رفتار از نظر طرف مقابل مردود است، اما برای جلوگیری از آن واکنش از خود نشان نمی‌دهد.

درباره‌ی اینکه در فارسی و عربی، چه واژه‌ای دقیقاً معادل «تولرانس» «tolerance» است محل بحث است، گاهی از حلم و بردباری و گاهی از صبر و گاهی مدارا، رفق، ملایمت، مصانعه، مذهبانه، تساهل، تسامح، تحمل و ملاطفت بکار می‌رود. اما هر یک از این واژه‌ها بار معنایی خاص دارند که نمی‌توانند با «تولرانس» کاملاً مترادف باشند.^۲

^۱ فرهنگ معین، ج ۱: ۱۰۸۷

^۲ تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت: ۱۶

تسامح: از ریشه‌ی «سمح» به معنای بزرگواری، جوانمردی، بلندنظری و بخشش است. مسامحه نیز به معنای آسانی و نرمی کردن و آسان گرفتن بر یکدیگر است و سماح به معنای چشم پوشی، گذشت و بخشش است.

تسامح: واژه‌ی «مدارا» گاه به معنای «تسامح» یعنی آسان گرفتن و جوانمردی کردن نیز آمده است.^۱

این واژه با تساهل مرادف است. تنها فرق ظریفی که با آن دارد این است که تسامح به معنای نوعی کنار آمدن همراه با جود، بزرگواری، جوانمردی و توانایی است، درحالی که ممکن است واژه‌ی تساهل تحمل با ضعف و فرودستی و ناتوانی همراه باشد.^۲

تسامح و تساهل از نظر غربیان

از منظر غربیان، تسامح و تساهل در اصطلاح به معنای عدم مداخله و مخالفت انسان یا اجازه دادن از روی قصد و آگاهی نسبت به اعمال و عقایدی است که مورد پسند و پذیرش او نباشد، با توجه به این تعریف عناصر زیر را در اصطلاح تساهل لحاظ کرده اند.

الف) وجود تنوع و اختلاف: تساهل باید در میان افرادی باشد که به نحوی با هم اختلاف دارند، بنابراین مدارا و همزیستی مسالمت آمیزی که میان افراد جوامع یک رنگ و هم عقیده وجود دارد، از تعریف تساهل خارج است.

ب) خشنودی و ناراضایتی: با این ویژگی آن تساهلی که از روی بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی باشد، خارج است.

ج) آگاهی و قصد: بنابراین، تساهل نباید از روی جهل و بدون انگیزه صورت گیرد.

^۱ فرهنگ مینوی، بی تا: ۲۱۶؛ فرهنگ معین، ج ۱: ۱۰۸۷

^۲ لسان العرب: ۴۸۲؛ منتهی الاراب فی لغه العرب: ۵۸۴؛ فرهنگ جامع نوین: ۱۰۷۸

د) قدرت و توانایی بر مداخله: به همین جهت مدارای عاجزانه و از روی ناچاری، تساهل خوانده نمی‌شود. تعریف مذکور در فرهنگ غرب متداول است و اندیشمندان غربی شروط چهارگانه‌ی فوق را برای تسامح و تساهل در نظر می‌گیرند، هر چند این شروط را کافی ندانسته و شرط‌های دیگری نیز بر آن افزوده‌اند. این اصطلاح (با توجه به عناصر چهارگانه‌ی فوق) به هیچ وجه با رفق و مدار، رأفت و رحمت، عفو، صفح، ایثار و فداکاری و جوانمردی و مروت (در اسلام) مترادف نیست، زیرا هر یک از این‌ها در مکتب اسلام بار معنایی خاصی دارند که آنها را از واژه‌ی تولرانس متمایز می‌سازد. گرچه ممکن است در مواردی هم تساهل و تسامح و هم یکی از این واژه‌ها صادق باشند، یعنی میان آنها نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار باشد، لذا عدم توجه به معانی خاصی که این واژه‌ها در شرع مقدس اسلام دارند، موجب خلط مباحث و سوء برداشت از کتاب و سنت خواهد شد.^۱

تفاوت مدارا با مداهنه

مدارا با مداهنه تفاوت دارد، زیرا همان‌طور که بیان شد، «مدارا» به معنای رعایت کردن و صلح و آشتی نمودن و با ملایمت و آرامی و آهستگی، سلوک رفتار داشتن است، در حالی که «مداهنه» عبارت است از مشاهده‌ی رفتار ناپسندی از کسی و قادر بودن بر رفع آن ولی به خاطر رعایت جانب مرتکب یا به علت کم‌مبالاتی و سستی در کار دین، متعرض او نشدن و او را دفع نکردن است.^۲ از نظر قرآن مداهنه امری ناپسند است در صورتی که مدارا عام‌تر از مداهنه است.^۳ ریشه و اساس سازش و مداهنه در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی با تبهکاران، سازش انسان با شیطان درون است. اگر انسان تسلیم هوای نفس نباشد و با شیطان درون در ستیز باشد با تبهکاران

^۱ تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت: ۱۷

^۲ لغت نامه دهخدا، ج ۱۲ صص ۱۸۱۱۹ و ۱۸۱۲۵

^۳ تساهل و تسامح: ۲۷

بیرونی سازش نخواهد کرد. چنان‌که علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ دَاهَنَ نَفْسَهُ هَجَمَتْ بِهِ عَلَى الْمَعَاصِي».^۱ «هر کس با خودش مداهنه کند (و با خواهش‌های نفسانی‌اش مدارا نماید) همه‌ی نافرمانی‌ها به او هجوم می‌آورد». همچنین فرمودند: به نفستان اجازه ندهید که شما را در مداهنه بیندازد و در حق او مداهنه نکنید که دچار خسران می‌شوید. و فرمود: «لَا تَرْخَصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتَدْهِنُوا، وَلَا تُدْهِنُوا فِي الْحَقِّ فَتُخْسِرُوا».^۲ بی شک اگر انسان در این معرکه سازش کند در همه‌ی معرکه‌ها به سازش کشیده می‌شود. لذا حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «تَرْخَصُوا لِأَنْفُسِكُمْ، فَتَدْهَبُ بِكُمْ الرُّخَصُ مَذَاهِبَ الظُّلْمَةِ وَ لَا تُدَاهِنُوا فَيَهْجَمَ بِكُمْ الْإِدْهَانُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ»^۳ «به نفستان میدان ندهید، چرا که در این صورت در جریان ظلم و فساد می‌افتید و مداهنه نکنید که اگر مداهنه کنید، در جریان سازش با معاصی می‌افتید»

بنابراین کسی که راه سازش درونی را بیندد و خود اهل معصیت نباشد، می‌تواند در بیرون در برابر معصیت کاران و مفسدین بایستد و با قاطعیت از حدود الهی محافظت نماید. پیامبران الهی و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) که تا پای جان در برابر کفر و باطل ایستادند، بدین جهت بود که بر خویشان غلبه داشتند و شیطان نفس را رام و تسلیم خود کرده و مطیع محض حق بودند.^۴ اسلام مدارا را امری پسندیده، و مداهنه را امری ناپسند می‌داند.

^۱ غرر الحکم و دررالکلم: ۲۳۵

^۲ بحارالانوار، ج ۲: ۳۹؛ تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت: ۱۰۶

^۳ نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام: ۲۰۶

^۴ تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت: ۱۰۷